



دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته روانشناسی تربیتی

تحلیل محتوای کتاب های درسی سال اول دبیرستان بر اساس نظریه هوش سترنبرگ

استاد راهنما

دکتر گلنار مهران

استاد مشاور

دکتر منصور علی حمیدی

دانشجو

صفورا محمدخانی

مهر ۱۳۸۹

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به دانشگاه الزهراء(س) است.

چکیده

آموزش و پرورش از مهمترین نهادهای رسمی است که در کنار خانواده عهده دار تعلیم و تربیت است، بنابراین بایستی به گونه ای عمل کند که دانش آموزان تمام تواناییهای خود را پرورش دهند و زمینه به کارگیری تمام تواناییهای آنان فراهم باشد.

در کشور ما به دلیل متمرکز بودن نظام آموزشی و تدریس یکسان کتابهای درسی در مدارس، کتابهای درسی از اهمیت فوق العاده ای برخوردارند که در صورت طراحی و استفاده درست آنها می توانند زمینه ساز شکوفایی استعدادها و تواناییهای دانش آموزان گردند.

یکی از مهمترین مسائل در حیطه آموزش و پرورش که در رابطه با تواناییهای دانش آموزان مطرح است، موضوع یگانه بودن و چندگانه بودن هوش و در پی آن ثابت بودن آن و یا متغیر بودن آن است. از میان نظریاتی که بر چندگانه بودن هوش تاکید دارند، نظریه هوش سترنبرگ است که به دلیل اینکه مسئله پرورش و به کارگیری هوش را مطرح می کند، مورد نظر پژوهشگر بوده است.

جامعه آماری این پژوهش کتابهای درسی سال اول دبیرستان، اهداف آموزشی و معلم های این کتابها می باشد. برای بررسی از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان می دهد که در کتابهای درسی به مولفه های هوش سترنبرگ بسیار کم رنگ پرداخته شده است و علاوه بر این، میزان پرداختن به مولفه های آن در کتابهای درسی به یک میزان نیست. اهداف آموزشی همسو با محتوای کتابها نمی باشد و معلم ها نیز به دلیل تدریس بر اساس محتوای کتابها و نیز کم اطلاعی از پرورش و به کارگیری هوش در تدریس خود نسبت به این مسئله بی اهمیت بوده اند، بنابراین بررسی کتابهای درسی از منظر پرداختن به انواع هوش ضروری به نظر می رسد.

کلید واژه ها:

هوش، کتابهای درسی، آموزش و پرورش

۱ فصل اول: کلیات تحقیق.....

۱-۱ مقدمه..... ۲

۱-۲ بیان مسئله..... ۲

۱-۳ اهمیت و ضرورت پژوهش..... ۵

۱-۴ هدف های پژوهش..... ۶

۱-۵ پرسش های پژوهش..... ۷

۱-۶ تعریف مفاهیم..... ۸

۱-۷ ابعاد نظریه هوش سترنبرگ..... ۸

۱-۸ کتاب درسی..... ۹

۱-۹ دوره متوسطه..... ۹

۱۱ فصل دوم.....

۲-۱ مقدمه..... ۱۲

بخش اول: ادبیات پژوهش..... ۱۲

۲-۲ هوش..... ۱۲

۲-۳ تعریف هوش..... ۱۳

- ۲-۴ تاریخچه بررسی هوش..... ۱۵
- ۲-۵ هوش یگانه و هوش چندگانه..... ۱۸
- ۲-۶ آیا هوش را می توان از طریق آموزش افزایش داد؟..... ۲۹
- ۲-۷ مدارس به عنوان محیط های پرورش هوش..... ۲۹
- ۲-۸ جایگاه محتوا در برنامه درسی..... ۳۰
- ۲-۹ محتوا در دوره آموزش متوسطه..... ۳۱
- بخش دوم: پیشینه پژوهش..... ۲۴
- ۲-۱۰ مطالعات و پژوهش های انجام گرفته در خارج از کشور..... ۳۱
- ۲-۱۱ مطالعات و پژوهش های انجام گرفته در داخل از کشور..... ۳۴
- ۲-۱۲ جمع بندی..... ۳۸
- فصل سوم..... ۴۱**
- ۳-۱ مقدمه..... ۴۲
- ۳-۲ روش پژوهش..... ۳۲
- ۳-۳ جامعه آماری و ویژگی های آن..... ۴۴
- ۳-۴ روش نمونه گیری و حجم نمونه..... ۴۴
- ۳-۵ روش جمع آوری اطلاعات..... ۴۵

۴۶	۳-۶ روش تجزیه و تحلیل داده ها
۴۶	۳-۷ مراحل انجام تحلیل محتوا
۴۹	فصل چهارم: ارائه یافته های تحقیق
۵۰	۴-۱ مقدمه
۵۸	۴-۲ بررسی مولفه های هوش در کتاب های درسی
۵۸	۴-۲-۱ بررسی مولفه تشخیص
۷۵	۴-۲-۲ بررسی مولفه تجزیه
۱۱۸	۴-۲-۳ بررسی مولفه مقایسه و مقابله
۱۳۸	۴-۲-۴ بررسی مولفه ارزشیابی
۱۴۶	۴-۲-۵ بررسی مولفه ترکیب اطلاعات به راههای جدید
۱۵۲	۴-۲-۶ بررسی مولفه تولید اندیشه های تازه
۱۵۹	۴-۲-۷ بررسی مولفه تمرین کردن
۱۶۹	۴-۲-۸ بررسی مولفه به کار بستن
۱۷۹	۴-۳ بررسی مولفه های نظریه هوش سترنبرگ در اهداف آموزشی کتاب های درسی
۱۸۱	۴-۴ بررسی مصاحبه های انجام شده با معلم های کتاب های درسی
۱۸۴	فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۱۸۵.....	۵-۱ مقدمه
۱۸۷.....	۵-۲ تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش
۱۹۳.....	۵-۳ تعبیر و تفسیر یافته های پژوهش
۱۹۸.....	۵-۴ بحث و نتیجه گیری
۲۰۳.....	۵-۵ محدودیت های پژوهش
۲۰۴.....	۵-۶ پیشنهادات پژوهش
۲۰۵.....	۵-۷ منابع فارسی
۳۰۱.....	۵-۸ منابع انگلیسی

فصل اول: کلیات تحقیق

مقدمه

بیان مسئله

اهداف پژوهش

اهمیت پژوهش و ضرورت آن

پرسش های پژوهش

تعریف مفاهیم

در این فصل به کلیات تحقیق پرداخته می شود: در ابتدا مسئله پژوهش بیان می گردد و در ادامه اهداف آن آورده می شود. پس از آن اهمیت و ضرورت پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد و در بخش بعدی با توجه به مسئله، پرسش های پژوهش مطرح می گردند.

۱-۱ بیان مسئله

نظریه رابرت استرنبرگ^۱ یکی از نظریه های وابسته به رویکرد پردازش اطلاعات است و به راهبردهای فرایند شناخت تاکید می کند و کارکردهای شناختی را از ویژگی های مهم رفتار هوشمندانه به شمار می آورد (افروز و کامکاری ۱۳۸۷). بر اساس تعریف استرنبرگ، هوش " توانایی سازگاری، شکل دهی و انتخاب محیط برای رسیدن به هدف های فردی در درون بافت اجتماعی و فرهنگی است" (حجازی و عابدینی ۱۳۸۵). افراد برای موفقیت در اجتماع و در درون بافت فرهنگی باید توانایی تحلیل و ارزیابی ایده ها، حل مشکلات و تصمیم گیری (توانایی تحلیلی^۲)، پیش رفتن در جهت خلق اندیشه های جدید (توانایی خلاقانه^۳) و به کار گیری آنها در زندگی (توانایی عملی^۴) را داشته باشد. نظریه هوش استرنبرگ، هوش را یک توانمندی شناختی در نظر می گیرد که در صورت فراهم شدن زمینه ای برای پرورش و به کارگیری تمامی ابعاد آن، موفقیت افراد در تحصیل، شغل و سازگاری و مهارت در زندگی را به دنبال دارد (افروز و کامکاری ۱۳۸۷). در این نظریه هوش به عنوان یک توانمندی قابل پرورش مورد نظر است که توجه و به کارگیری جنبه های مختلف آن، در سازگارشدهن و موفقیت، به افراد کمک می کند. یعنی برای موفقیت افراد در زندگی روزانه، چه در درون نظام آموزشی و چه در

^۱ Robert Sternberg

^۲ .Analytical

^۳ .Creatively

^۴ .Practical

خارج از نظام آموزشی، بخصوص در زندگی شغلی باید به تمامی ابعاد هوشی دانش آموزان توجه شود. با توجه به اهمیت نظام آموزشی، کارکرد این نهاد به گونه ای باشد که دانش آموزان هر سه این توانایی ها را پرورش دهند و به کار گیرند. در واقع هوش به عنوان یک فرایند پیچیده در نظر گرفته شود که به اجزای فرعی تقسیم می شود و از طریق مدرسه می توان آن را آموزش داد و توسعه بخشید(کریمی ۱۳۸۷).

نظام آموزشی برای دسترسی به هدف های خود برنامه درسی، نیروی انسانی، محیط، روشها و منابع مناسبی را در اختیار دارد. در این میان کتاب های درسی جزئی از برنامه درسی هستند که مطالب موجود در آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. یعنی اینکه محتوای کتابهای درسی از راه افزایش و پرورش هوش دانش آموزان به بهبود زندگی افراد کمک نماید، زیرا هوش آنگونه که سترنبرگ آن را تعریف می کند، مجموعه مهارت هایی است که داشتن آنها به سازگاری و بهسازی می انجامد. سیف به نقل از سانتروک (۱۳۸۷) عنوان می کند که بر اساس نظر سترنبرگ تکالیف آموزشی و موضوعات درسی باید ترکیبی از جنبه های مختلف هوش باشند: دانش آموزان در مواجهه با کتابهای درسی هم مفاهیم و مضمونها را پیدا کنند(هوش تحلیلی)، هم مطالبی که به آن افزوده شود و روند بهبود مطالب را بررسی کنند (هوش خلاقانه) و هم درباره استفاده های عملی در زندگی روزانه نظر بدهند (هوش عملی). بنابراین کتابهای درسی به عنوان مهمترین بخش برنامه درسی نیازمند نوعی از طراحی هستند که در آنها تمامی ابعاد هوشی لحاظ گردد. چون در این نظریه هوش به عنوان یک فرایند پیچیده در نظر گرفته می شود که به اجزای فرعی تقسیم می شود و از طریق مدرسه می توان آن را آموزش داد و توسعه بخشید(کریمی ۱۳۸۷). نظام آموزشی برای ایفا کردن این وظیفه خود از امکانات مختلفی بهره می گیرد و در این میان کتاب های درسی به عنوان مهم ترین منابع آموزشی و به

دلیل متمرکز بودن نظام آموزشی و نیز استاندارد بودن و یکسان بودن آموزش آنها در کل کشور، در پرورش تمامی ابعاد هوشی دانش آموزان، مورد توجه هستند.

به رغم تلاش های آموزش و پرورش در زمینه بهبود آموزش در رابطه با پرورش افرادی که پس از اتمام تحصیلات بتوانند هم در زمینه تحصیلی و شغلی مرتبط با آن، و هم در کاربرد دانش تخصصی موفق باشند، متأسفانه میزان ترک تحصیل، میزان ترک شغل معلمان، هزینه صرف شده و تعداد دانش آموزان، بی اطلاعی از رشته های دانشگاهی، بی علاقه گی به رشته تحصیلی، بیکاری پس از پایان تحصیلات، جذب کار افراد به صورت غیر مرتبط و افراد تحصیل کرده بدون تخصص به گونه ای است که بیانگر وجود مشکل در نظام آموزشی است که از دلایل آن را می توان این مسئله عنوان کرد که در طراحی برنامه درسی و در پی آن در کتابهای درسی به همگی توانمندی های دانش آموزان توجه نشده است. افراد پس از اتمام تحصیلات قدرت استفاده از توانمندی و دانش خود را ندارند و یا در تولید اندیشه تازه در برابر مسائل با مشکل مواجه هستند که اگر به دانش آموزان نحوه استفاده از تمام تواناییهای تحلیلی، خلاق و عملی آموزش داده شود به بهبود و پیشرفت تحصیلی آنها می انجامد (وفایی ۱۳۸۶). برای رویارویی با بسیاری از این مشکلات، نگرش چند بعدی نظام آموزشی به هوش بایسته است. اگر بخواهیم به وضع موجود پایان دهیم یا بهبود بخشیم، مسئله آگاهی از محتوای کتابهای درسی و توجه به مطالب آنها از منظر پرداختن به توانمندی های گوناگون دانش آموزان مطرح می گردد. زیرا اگر نظام آموزشی برداشتی تک بعدی از هوش داشته باشد، این مسئله در کتاب های درسی به عنوان مهمترین منابع آموزشی در دسترس، انعکاس می یابد. با توجه به اهمیت کتابهای درسی و نیاز به تجدید نظر در طراحی آنها، تحلیل و بررسی کتاب های درسی به جا به نظر می رسد.

۳-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

از وظایف نظام آموزشی، پرورش افرادی است که چه در طول دوران تحصیل و چه پس از اتمام تحصیلات، در درون بافت اجتماعی با موفقیت عمل کنند و این مهم جز با توجه به پرورش تمامی توانایی ها و قابلیت های دانش آموزان میسر نمی شود.

در میان صاحب نظران هوش، رویکرد غالب هوش چندگانه است که از میان آنها رویکرد سترنبرگ به دلیل اینکه هوش را با سه چهره تحلیلی، خلاقانه و عملی معرفی می کند و آن را مجموعه ای از مهارت های یادگیری و تفکر می داند که هم در مسائل تحصیلی و هم در زندگی روزانه به کار می آید، برگزیده شده است. در واقع سترنبرگ نگرش چند سویه به هوش دارد و از این حیث مورد توجه پژوهشگر قرار گرفته است که با توجه به وجود مشکل در نظام آموزشی در زمینه های گوناگون، بخصوص مشکل تحصیل کردگان این نظام آموزشی در تولید دانش نو یا استفاده از دانش تحصیلی و مشکل در به کارگیری از توانمندی های خود نیازمند بررسی و پی گیری جدی است.

در نظریه استرنبرگ مدرسه به عنوان مکانی در نظر گرفته می شود که دانش آموزان با آموزش دیدن در آن توانایی های مختلف خود را پرورش دهند که چه در زمینه تحصیلی و چه خارج از آن با موفقیت عمل کنند.

همانطور که اشاره شد، آموزش متوسطه می تواند از نظر آشنا شدن دانش آموزان با دروس یکسان و آغاز دوره تخصصی پس از این دوره و فراهم شدن زمینه ای برای انتخاب رشته و پس از آن انتخاب شغل مهم باشد. بنابراین در این دوره دانش آموزان بیشتر نیازمند به کارگیری و پرورش ابعاد مختلف هوش خود هستند.

اهمیت بیشتر دوره متوسطه و سال اول دبیرستان به این علت است که دانش آموزان پس از گذراندن این دوره عمومی، وارد حیطه های تخصصی می شوند و در واقع در این دوره زمینه انتخاب مسیر در جهت انتخاب رشته و انتخاب شغل در آینده فراهم می شود. بنابراین اگر نظام آموزشی در توجه داشتن به ابعاد هوش دانش آموزان و تلاش در جهت پرورش تمامی ابعاد آن به درستی عمل کند، می تواند منافع بیشتری برای دسته گسترده تری از دانش آموزان داشته باشد و چون از معتبرترین منابع در دسترس آن محتوای کتاب های درسی است این مهم را می تواند از طریق کتاب های درسی انجام دهد.

در این راستا نیاز است مولفان و برنامه ریزان کتاب های درسی به این مسئله مهم توجه خاصی داشته باشند و در تدوین محتوای کتاب های درسی، پرورش تمامی ابعاد هوشی دانش آموزان را در نظر بگیرند. بنابراین پژوهش حاضر در ضمن گردآوری اطلاعاتی در مورد وضع موجود کتاب های درسی در رابطه با میزان توجه کتاب های درسی در پرورش و به کارگیری ابعاد مختلف هوشی، می تواند به عنوان راهنمایی برای مولفان باشد. بنابراین یافته های این پژوهش می تواند در اختیار دفتر برنامه ریزی و تالیف کتاب های درسی قرار گیرد که نظام آموزشی از طریق ابزار مهمی چون کتاب افرادی را پرورش دهد که علاوه استفاده از تمامی توانایی های خود بتوانند در خارج از مدرسه و در جامعه آن ها را به کارگیرند و با موفقیت در بافت اجتماعی زندگی کنند.

۱-۴ هدف های پژوهش

نظام آموزشی در کنار خانواده عهده دار تعلیم و تربیت افراد جامعه در همه ابعاد و پرورش توانایی های آنان در تمامی زمینه ها است. افراد توانایی های را دارا هستند که برای شکوفایی نیاز به پرورش دارند که توجه به آن در تمامی مقاطع تحصیلی ضروری به نظر می رسد. اگر

نظام آموزشی افرادی را پرورش دهد که بتوانند اطلاعات را پردازش کنند(توانایی تحلیلی)، به صورت ابتکاری با مسائل روبه رو شوند(توانایی خلاقانه) و هم اینکه در عمل اطلاعات را به کار گیرند(توانایی عملی) شاید افراد بتوانند از توانایی های خود به بهترین شکل استفاده کنند. در مجموع نحوه عمل نظام آموزشی به گونه ای باشد که زمینه به کارگیری توانایی های مختلف را فراهم کند.

از آنجا که در نظام آموزشی ایران مطالب تدوین شده در کتاب های درسی به عنوان محور اصلی قلمداد می شود (هاشمی کوچک سرایی ۱۳۸۵) پژوهش حاضر با هدف بررسی پرداختن به تمامی ابعاد هوشی دانش آموزان در کتاب های درسی سال اول دبیرستان صورت می گیرد و در پی پاسخ گویی به این سوال است که در کتاب های سال اول دبیرستان به چه میزان به پرورش استعداد های مختلف دانش آموزان توجه شده است؟

بنابراین تحلیل محتوای کیفی کتاب های درسی ادبیات فارسی، مطالعات اجتماعی و علوم زیستی و بهداشت سال اول دبیرستان چاپ ۱۳۸۷ بر اساس نظریه استرنبرگ (هوش تحلیلی، هوش خلاقانه و هوش عملی) صورت می گیرد.

۱-۵ پرسش های پژوهش

۱. آیا در کتاب های درسی سال اول دبیرستان به تمامی ابعاد هوشی استرنبرگ (تحلیلی، خلاقانه و عملی) پرداخته شده است؟

۲. مطالب کتابهای درسی به کدام یک از بعد های هوش تاکید بیشتری دارد؟

۶-۱ تعریف مفاهیم

نظریه هوش سترنبرگ : از نظر سترنبرگ، هوش از مجموعه ای از مهارت های مهارت های تفکر و یادگیری تشکیل یافته است که در حل مسائل تحصیلی و زندگی روزانه مورد استفاده قرار می گیرد (سیف ۱۳۸۷).

بر طبق این نظریه هوش دارای سه بعد است:

۶-۲ ابعاد نظریه هوش سترنبرگ

بعد اول: هوش تحلیلی:

۱. تشخیص: تمیز دادن چیزی از دیگری، باز شناختن، تعیین کردن.
۲. تجزیه و تحلیل: بررسی یک مطلب و تقسیم آن به اجزاء یا عناصر فرعی به طوری که روابط میان اجزای آن توصیف شود (سیف ۱۳۸۷).
۳. مقایسه یا مقابله: بررسی یک مطلب و شناسایی همانندی ها و ناهمانندی های آن با مطالب دیگر (سیف ۱۳۸۷).
۴. ارزشیابی: داوری کردن درباره مطالب و موضوعات با هدف و معیار مشخص (سیف ۱۳۸۷).

بعد دوم: هوش خلاقانه :

۱. ترکیب اطلاعات به راههای جدید: کنار هم گذاشتن اجزاء و عناصر برای ایجاد یک کل و قرار دادن آنها در ساختار جدید و متفاوت از پیش که قبلا به شکل فعلی وجود نداشته است (سیف ۱۳۸۷).

۲. تولید اندیشه های تازه: تولید طرح یا اندیشه جدید که قبلا وجود نداشته است

(سیف ۱۳۸۷).

بعد سوم: هوش عملی:

۱. تمرین کردن: در موقعیت شبیه موقعیت واقعی، اطلاعات به تمرین گذاشته می شود.

۲. به کار بستن: استفاده از معلومات فراگیری شده موقعیتهای رسمی و غیر رسمی در

موقعیت های عینی (سیف ۱۳۸۷).

۷-۱ کتاب درسی

کتاب درسی عبارت است از کتابی که موضوع معینی از مطالب را بررسی می کند و بطور منظم تهیه شده است. برای سطح خاصی از آموزش به کار می رود و مانند یک منبع اصلی درباره مطالعه یک موضوع در رشته معینی مورد استفاده قرار می گیرد (شعاری نژاد ۱۳۶۴). در این پژوهش از کتاب های درسی ادبیات فارسی، علوم زیستی و بهداشت و مطالعات اجتماعی که در سال ۱۳۸۷ انتشار یافته اند و توسط دانش آموزان سال اول دبیرستان استفاده می شود، نام برده می شود.

۸-۱ دوره متوسطه

دوره متوسطه یکی از حلقه های زنجیر آموزشی است که آموزش عمومی را به آموزش عالی پیوند می دهد. اهمیت این دوره را از سه جنبه می توان مطرح کرد: اول اینکه دوره انتقال از آموزش غیر تخصصی به آموزش تخصصی و دانشگاهی است. دوم اینکه دوره انتقال از محیط آموزش به محیط کار و زندگی است و بالاخره دوره انتقال از کودکی و نوجوانی که نیازهای فرد تحت نظر و مراقبت دیگران تامین می شود، به جوانی و بلوغ که فرد به استقلال و قبول

مسئولیت می رسد (کلیات نظام جدید آموزش متوسطه ۱۳۷۲). در این پژوهش، به سال اول دبیرستان که برای دانش آموزان تمامی رشته‌ها مشترک است و پس از آن آموزش های تخصصی آغاز می شود، می پردازیم.

فصل دوم

بخش اول: مبانی نظری

بخش دوم: پیشینه پژوهش

۱-۲ مقدمه

این فصل شامل دو بخش می باشد: بخش اول ادبیات پژوهش و بخش دوم پژوهش های انجام شده در ایران و خارج در ارتباط با موضوع مورد تحقیق می باشد.

در بخش اول یعنی ادبیات پژوهش به معرفی سازه هوش و تاریخچه آن پرداخته می شود و روند نظریات مورد بررسی قرار می گیرد. بنابراین در رابطه با محتوای کتاب های درسی و مفاهیم مرتبط با آن توضیحاتی ارائه می شود.

در این پژوهش نظریه هوش سترنبرگ در محتوای کتاب های درسی مورد بررسی قرار می گیرد. در رابطه با مدارس و پرورش هوش در آنها توضیحاتی ارائه شده است.

در بخش دوم تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از ایران مورد بررسی قرار می گیرند. البته لازم به ذکر است که به علت کمبود پژوهش در رابطه با موضوع مورد بررسی خصوصا در ایران که مستقیما به این موضوع بپردازند، پژوهشگر به تحقیقات نزدیک به موضوع پرداخته است و اطلاعاتی را در سایت ها و مراکز تحقیقاتی و بانک های اطلاعاتی گردآوری کرده است.

بخش اول: مبانی نظری

۲-۲ هوش